

صلی الله علیک یا قیه الله

سرود سال نو

سالی گذشت. و دیگر بار بلبان مست، نغمه رسیدن نیمه شعبان را بر شاخه‌های آزادی، زمزمه کردند سالی گذشت و روزی رسید که فرشتگان در شادی سال می‌گسترند و رحمت خدا بر کرانه‌ها موج میزند. رویکه از قبله درختان، ترنم رود و آوای باد، همه شور و سوق لبریز است. تکوین به غرورش در افتاده و تشریح شادمانه در آشوش گرم یک حامی جان تازه می‌گیرد. یکسال سپری شد و روزی چنین عزیز دیگر بار رسید. روز میلاد نور، میلاد پاک و عدالت موعود. روز پانزدهم ماه پر فضیلت شعبان که چهاردهمین نمره پاک درخت اسلام، به مهمانی آفتاب می‌آید و نوحه‌ها باروریش شکوفه میدهد. «مهدی» یا بر عرصه زندگی خاکبان میگردد و یکسر چون ساقای بیرون زده، بسیاری را به گرد خویش خوانده، به پرواز و حیرانی و امیدارد. زمان به قدر یکسال حجم دیگری از تاریخ را پسر میکند. و هنوز بسیارند که در پی عطر دل انگیزش بدین سو و آنسو نظر میکنند و در هر کجا گم کرده خویش را می‌جویند. هر سال که میگذرد، چندی میروند و دیگری می‌آیند. و جمع عاشقان و منتظران «مهدی» را نیز این قاعده هست.

دو بهار می‌آید و میرود و آفتی سخت بنیان، بر این جمع در افتاده. هر روزه تعدادی را می‌برد و جز نقش در پناه چیزی باقی نمی‌نهد.

ولی زیباتر از غمناکی این اندوه، عاشقانه رفتن آنهاست. که داوطلبانه بی هیچ تردید و هراس به لب دشمن میزنند و چون سپهسالار جوان - عباس لهرمان - که به یاری امامش چنان می‌رزید، اینان هم به عشق «مهدی» میروند تا مگر به کشور دوستداران او ضربتی نیساید. هتزاران فرود بر رویشان.....

و این بار نیمه شعبان را بدون آنان، خواهیم بود. اما به یاد آنان.

چرا که نیمه شعبان نه لفظ میلاد صاحب العصر، مولا و محبوب است. که میلاد هر پاسدار کلام الهی میلاد هر سرباز یادگار پیشوایان میلاد هر رزمنده در جبههها میلاد هر نشسته در سنگر میلاد هر منتظر، میلاد هر مسلمان و میلاد هر شیعه هشیار و پاتقواست.

میلاد تمامی آن عزیزانمان که رفتند و به حق پیوستند. هنوز از خاطرممان نرفته، آن فریادهای «یا مهدی ادر کنی!» که

از قلبهای پرمهرشان بر می‌آمد. و آن اشکها و ناله‌ها که امام زمانشان را طلب میکردند. و آن شور و شررها، بی تابها برای دیدن جمال او که نشانگر عشقشان بود به حضرتش و نائب گرامی او - خمینی کبیر - و آن دعاهاشان با طنین بلند: و خداها! خداها! تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار! که فضای شهر و روستاها را آکنده از امید به پایداری انقلاب و جهانی شدن آن کرده بود. و تمام لحظات سالی که گذشت، حکایت از این عشق و آرزو دارد.

سالی که چون قایقی بر رود بی آرام حماسه‌ها، لحظه‌ها را برد و لحظه آفرینان را به کام موج جاودانگی انداخت. هم اینک، در این روز با شکوه سالی را که گذشت وداع کنیم و آغاز سالی دیگر را که هر لحظه‌اش میلاد خاطرات و یاد شهیدان است، جشن بگیریم.

مگر نه اینستکه در روز میلاد جشن می‌گیرند؟ آذین می‌بندند؟ نقل و شیرینی می‌برکنند؟ پس بهائیم روز میلاد عاشقان را که همان روز میلاد محبوبشان است، هر چه با شکوهتر برگزار کنیم.

برخیزیم. وسائل را فراهم آوریم. دیگر آزمون گذشته که تنها عده‌ای پیشتاز از سر چشمه صحبت مولا پشان کام را شیرین کنند، ما آمدیم.

با جسم و جانی طاهر و روحی پاک آمدیم. آری بهائیم و مهدی - آن تکسوار عرصه‌های بیگانه - را بخوانیم که ما نیز آمدیم ما رانیز به خیل اصحاب جان برکت اضافه نما! مگر شرط باوری تو، منتظری نیکو بودن نیست؟ و در کجای زمان و مکان تاریخ چنین منتظرانی چشم براه ظهور سراغ دارد؟

آری ما آمدیم! اگر تا بحال نشسته بودیم و دوری تو را با سکوت تحمل میکردیم، دیگر چنین نیست.

دست در دست بگذریم نهادیم و در راه دوستی تو از هم وسبقت در خیرات میگیریم. صفی ناشگستی که هرگز در این راه سایه‌ای جز مرگ را بر سر نخواهد پذیرفت.

می‌باید برده را درید تا خورشید ظاهر گردد. و همه جا را پر از نور، زیبایی و روشنی گرداند.

وقتی چنین قاطع و محکم با ناله و زاری و از روی خواسته قلبی با او عهد و میثاق باری و باوری و صداقت در راه بستیم، محالست از او خبری نشود.

مگر همانان که خاطر ایشان از دیدار او را بر ایمان گفتند، کاری بیش از این کرده بودند؟

مگر نه اینک در مواقع ناامیدی از هر کمکی، به دامن ولایت مهدی - امام زمان، جنگ زدند و نتیجه گرفتند؟

و به عظمت خود او قسم که کاری چندان مشکل نیست. صفای باطن می‌خواهد. ایمان به اسداد غیبی می‌طلبند. و «خواستن» لازم است.

بهائیم و اینسال را با عشق او آغاز کنیم. به این فکر باشیم تا حق عاشقی را کاملا بر آریم.

به این امید که با نیاپش‌های جانسوز و رفتارهای منتظرانه، در ظهور حجت حق تعجیل شود. تا با سپردن برفی «فتح و نصر الهی» به دست پرفتق مهدی، انقلاب اسلامی را در تمام جهان گسترش بخشیم. انشاء الله تعالی

حضرت رسول اکرم ص، جانشینان خود را معرفی میکنند

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِي أَشْنَا عَشْرًا، أَوْلُهُمْ أَنتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مُشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا. بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۷۹ حدیث ۱۸۴.

از حضرت امام زین العابدین از پدرش و جدش علی بن ابی طالب روایت کرده که حضرت رسول اکرم ص فرمود: امامان بعد از من

وزاره نهند. اول آنها توئی یا علی و آخر آنها قائم است، بهای کس که فتح میکنند خدا برست او مشرق و مغرب عالم را.

بدلیل ارتباطی جداناپذیر که میان این دو واژه وجود دارد ما ابتدا تک تک این واژه‌ها را کمی شرح میدهم و سپس برای دریافت معنی درست، برداشت خودمان را از ترکیب دو واژه «انقلاب» و «مهدی» ارائه میکنیم:

انقلاب! خوشبختانه بجهای انقلاب در این زمینه خیلی چیز میدانند و ما برای آسودگی فقط اشارتی خواهیم داشت.

همه شما میدانید که انقلاب یک دگرگونی اساسی است بگونه‌ای که همه ساختها، بافتها و تناسبها و روابط و وضعیت قبلی در هم بریزد. اما مهمتر از خود دگرگونی، جهت آن است که این دگرگونی در جهت رضای خداست یا در جهت هوی و میل. این دگرگونی بسود طبقات تحت ستم و سلطه است یا برای تحکیم موقعیت سلطه‌گر. قدرت سیاسی در این انقلاب از که به چه قشر یا گروه یا مردمی انتقال خواهد یافت و خلاصه این انقلاب به

تاملی بر شعار پر معنوی «تا انقلاب مهدی (عج) نهفت ادامه دارد»

انقلاب مهدی

است خوب میفهمید که جهت اسلامی انقلاب یعنی چه. مهدی علیه‌السلام سو و سمت این انقلاب است و در پی آمدش معرف ابعاد مراحل و نقطه آغاز این انقلاب...

متوکل امام هادی را در سال ۲۳۵ هجری قمری از مدینه به سامرا تبعید کرد و معتمد عباسی فرعون‌وار از حضرت عسکری بیمناک بود و خانه علویین و خصوصاً حضرت امام حسن را بازاری میگرد و امام را در منطقه نظامی تحت الحفظ مأمورین مخفی و علی

شیعیان مسایل خود را در میان میگذاشتند. و امام هم اوامر خود را به آنان میرساند. چهار شخصیت بزرگوار که از علما و صلحا و معتمدین زمان خویش بودند هر یک در مدتی از این ۶۹ سال نیابت حضرت را در رهبری و اداره امور شیعیان بعهده داشتند.

حسین، آموزگار بزرگ عاشورا است. او از هر پیامبری صفت و نشانی و سوا هر پیامبری شایسته‌تری دارد. با ابراهیم در ولادت مخفی، با موسی در خوف و در غیبت، با عیسی در اتهام، با ایوب در فرج، و با محمد در خروج با شمشیر و... شبیه است. از روح نشان طول عمر دارد. و در گذران این عمر طولانی، او همچنان بر قللهای قیام برای خدا، بیداری و خداآگاهی، و عبادت برای خدا قیامت برافراشته است. برترین نماز از اوست. او حج گذاری واقعی است. روزهدار خداوند است و در جهاد مسلمین شرکت میکند. نیسانندان را پاسوری قدرتمند و با کرامت میباشد و در تمام این دوران طولانی که ولایت عمومی جهان با الهام الکبر بوده است، او بیست هیچ ظالمی را به گردن نخواهد پذیرفت. و به این ترتیب در طی این عمر طولانی متکامل میشود، آنقدر که قدرت رهبری جهانی و تحقق آن روز بزرگ را در بلندی تاریخ بدست خواهد آورد (یکی از فلسفهای غیبت) که اومهدی (هدایت شده) است که میتواند هادی باشد.

زندگی، سراسر شهوت و فساد شاهان در نهایت قدرت برداشتن هر نوع مسخشد، زندگی زاهدانهای را گرفته است. آری او از تبار محمد و رشد یافته در فرآیندها و حرکتهای متعالی است که از خانه علی و فاطمه آواز شد.

انقلاب مهدی- قرآن کریم و احادیث ما چهره این انقلاب شکوهمند را بخوبی ترسیم کرده‌اند و بسایید، دلگشا و خرسندی خاصی حتی خطوط ریز آنرا نیز بروشنی بیان فرموده‌اند. هم جهت آنرا، هم ابعاد آن و هم مراحل آن را. آنچه را که ما در ویژگیهای این انقلاب با توجه به متون اعتقادی شصت و نه مرتبه، بقرار ذیل است:

۱- جهت الهی

این انقلاب جهتی الهی دارد و لذا انقلاب تکاملی است. اصلی ترین هدفی را که این انقلاب دنبال میکند استقرار کلمه توحید و عدالت و براندازی شرک و ستم است. آنچه را که انبیا و اولیاء در آورده‌اند و در راهش جهاد کرده‌اند و همیشه تاریخ در میان گناهی ماندها در میان هسته‌های کوچک یا برای زمان محدود انجام شد، بصورت یک جریان جهانی استقرار خواهد یافت.

احکام الهی که بسمت بی‌خدایان و خدایگان زمین فراموش و مظلوم شده بود بوسیله نیروی موحیدین دوباره جاری خواهد شد. و پیروزی حق بر باطل بی تردید انجام خواهد شد. و وعده‌ها محقق خواهد گشت. و در دل چنین باوری این مسئله نهفته است که جریان ظالمانه جهان با همه نمودهای پرشکوه و پر جبروت و آسیب ناپذیر خود یک جریان ناپذیر، تسوحوالی و منحصر است. عاقبت حق پیروز خواهد شد و اوضاع نابسامان سامان خواهد گرفت. ایمن. امنیت خواهد گرفت.

قال المهدی علیه السلام: فَاِنَّا نَحِيْطُ عَلٰى مَا بَيْنَ كَلِمَةٍ وَ الْاَيْرُبِ عَمَائِشِي مَنْ اَجْتَبَا رَحْمَةً. بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۱۸۱
حضرت صاحب الدرر فرمود: بلاشک کلمه با برضاعت شاطرا در دو سبب خیر است: جلاله بر ما پیشینیت.

کدام سمت جهت دارد، اصلاح یا الفساد و بجزارتی این انقلاب انحطاطی است یا تکاملی.

پس از آن ابعاد یک انقلاب مطرح است که این انقلاب ناظر بکدام وجه از وجوه زندگی انسانی است. انقلاب در سببهای اقتصادی و شیوه تولید است یا انقلاب در روابط اخلاقی و اجتماعی یا یک انقلاب برای تغییر در اهداف و روابط نظامی است انقلاب در معیارهای سیاسی و قدرتهای سیاسی است یا در تربیت یا در آداب و سنن و... یک انقلاب یک وجهی است یا یک انقلاب همه جانبه و تمام عیار در همه ابعاد و احوال و سببهای اجتماع.

دیگر و مراحل انقلاب است. این انقلاب نخست به چه سمتی جهت گیری میکند به قدرت یا به شناختهای اعتقادی؟ آیا اول زور است و بعد فرهنگ هم میاید، اول شاه آسوده است کم کم ایدئولوژی شاهنشاهی را اعمال میکند یا نه اول حرفهائی بوده است این حرفه‌ها ریشه در فطرت داشته بدل نشسته اعتماد نودها را جلب کرده است و شده است یک قدرت سیاسی و...

مسئله مهم دیگر اینست که یک انقلاب صحیح ابتدا در درون انقلابی در افکار، اعتقادات و عواطف انقلابی ظهور میکند و سپس شعاع خویش را تا عرشه اقربین ام القری و من بلغ توسعه میدهد ما در این مجموعه بهمین مقدار اکتفا میکنیم. علاقمندان به کتابهاییکه در این زمینه بحث کرده‌اند مراجعه کنند.

مهدی علیه‌السلام- گفتیم مهمتر از خود انقلاب جهت انقلاب است. شما حالا که چندسال از انقلاب میگذرد، خطها و پشت پرده‌ها رو شده

عنوان انقلاب مهدی بررسی خواهیم کرد.

شما میدانید آموزشهای مکتب ما، بردار هدایت در اسلام را برآیند دو بردار کتاب و هنرتر معرفی میکند:

انی تارک لیکم التقلین کتاب الله و هنرتری اهل بیته ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا ابدا ولن یفترا ما حتی یردا علی العوصی

مهمترین ویژگی مهدی که در میان کتب حدیث بر آن بسیار تأکید شده است این است که او در سلسله امامت است و لذا دارای همه خصوصیات است که ما برای امام در اندیشه اسلامی قائل هستیم.

او با هستی یک رابطه واقعی و عینی دارد و از نوعی ولایت و تصرف نسبت به طبیعت برخوردار است.

او در حقیقت اهرم اصلی و گویای هدایت است. زیرا جامعه اسلامی بدون امام نمیشود. وبدون امام نمیتوان از هدایت کامل اسلام برخوردار بود:

عن ابی عبدالله: لولم یبق فی الارض الارجلان لکان احد هما العیة

عن ابی عبدالله: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: من مات لا یرف امامه مات میتة جاهلیة.

عن ابی عبدالله علیه السلام: لا یصلح الساس الا بسالام و لا تصلح الارض الا بذلک. که در اسلام راه هدایت را نباید بی هادی و بی مهدی رفت: قطع این مرحله بی هم‌مرمی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

این چهار شخصیت بترتیب عبارت بودند از:

۱- جناب عثمان بن سعید عمروی

۲- جناب محمد بن عثمان بن سعید

۳- جناب حسین بن روح نوبختی

۴- جناب علی بن محمد سعیری

امام در سال ۳۲۹ به مصلحت الهی وضعی دیگر در زندگی گزید و امیر مسلمین و رهبری جامعه اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. امام در توفیقی که به آخرین نایب خاص خود حساب علی بن محمد سعیری میدهد، کیفیت رهبری جامعه، و نوع رابطه خود با شیعیان را بیان میفرماید

و از آن پس زعامت و هدایت امت را به فاطمه بیدار، حویثش داره، خدا ترس، و نگهبان دین و عباد

قرار داد. با همه این احوال، امام در میان همه کوششهای خلفای عباسی که ناگام ماند در بگاه نهمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بدینا آمد.

آری او همچون موسی تحت حمایت نظام عیسی بود که دستگاه مراتب طاغوت را با همه دبدبه و کیکبکاش بی‌الر کرد. و این گل زیبای نرگس در جلو چشمان جلادان تیغ بدست روئید. رشد کرد و پدر بزرگوارش بشکرانه این میلاد شکوهمند، ده هزار رطل گوشت و نان میان بنی‌هاشم با مأموریت عثمان بن سعید عمروی بخش نمود. پس از سه روز امام حسن عسکری او را بعنوان جانشین به باران خاص معرفی کردند. و نیز آنحضرت در مسائلهائی که پیش میآمد و وقتی از شیعیان و آگاهان و معتمدین که بحدیثش میرسیدند مهدی خردسال را بعنوان جانشین خود و موعود اسلام معرفی نمود.

با رحلت امام حسن عسکری امام مهدی برسم دیرینه بر حجازه مبارک امام نمازگزار و از آن روز در حالیکه ۵ سال داشت، امامت خویش را آغاز کرد. بعد از رحلت امام حسن عسکری خلفای عباسی که بوعده پیامبر بیمناک از بیاد رفتن نجات و تحت دولت بودند بدنبال امام همه جا را گشتند.

صالح خدا می‌سپارد و از پیروان می‌خواهد که آنها را بشناسند و به آنها مراجعه کنند.

مهدی امید محرومان تاریخ و پاکان تاریخی است پیامبر و همه معصومین به او بشارت داده و خود از چنین بشارتی تحقق پذیر، خشنود شده‌اند. و امید کربلاکمان و امید

عَنْ جَابِرِ بْنِ اَبِيخَفْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: مَنْ اَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا فَلْيَقْلِحْ حَسْبَ رِيَاةِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الْعَالَمِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ.

بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۳۱
جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که فرمود: هر کس از شما حضرت مهدی را درک کند و قیامت او را ببیند ریسوئیدم گوید، در و با او ذکر شده.

تمکن مومنین در روی زمین و نیرو گرفتن امت صالح، متقی و مستضعف ارضان است و نشان جهت تکامل آن. و عدالله الذین امنو منکم و عملوا الصالحات لیستغفهم فی الارض کما استغفب الذین امن قبلا و لم یجئکم لیسئلکم بله در صفحه ۶

گفتیم او در سلسله امامت است و این خود به معنای حرکت در راستای الهه هدی است که با ضلالت در سبب بوده‌اند. و به معنای حرکت بر سریره الهه عدل است که با امام جور در افتادند، او زهشت نسلی مبارز در راه خداست که همه شان با کشته شده‌اند یا مسموم. ۳۲ و در برابر

اما امام از همان روز نماز به حکمت الهی کیفیتی برای زندگی گزید که از آن به غیبت صغری تعبیر میشود. دوران غیبت صغری که ۶۹ سال طول کشید (از ۲۶۵ تا ۳۲۹ هجری قمری) دورانی بود که امام از طریق عالمی پاک و معتمد با مردم رابطه برقرار میگردند.



از حکایات عجیب و صدق که در زمان مآولع شد، این حکایت را که برایم نقل شده و در آن نکات و پندهایی است، جهت مسزید بصیرت خوانندگانی که به خواندن این گونه حکایات علاقه دارند در اینجا یاد داشت و ضمیمه کتاب نمودم.

چنانکه اکثر مسافری که از قم به طهران و از طهران به قم می آیند، راهالی قم اطلاع دارند اخیراً در محلی که سابقاً بیابان و خارج از شهر قم بود در کنار راه قم-تهران سمت راست کسکه از قم به طهران می رود جناب حاج پدالله رجیبان از اخبار قم مسجد مجلل و باشکوهی بنام مسجد امام حسن مجتبی (ع) بنا کرده است که هم اکنون دایر شده و نماز جماعت در آن منعقد میگردد.

در شب چهارشنبه بیست و دوم ماه مبارک رجب ۱۳۹۸ مطابق هفتم تیر ماه ۱۳۵۷- حکایات ذیل را راجع به این مسجد شخصاً از صاحب حکایت جناب آقای احمد عسکری کرمانی که از اخبار و سالهاست در طهران متوطن است در منزل جناب آقای رجیبان با حضور ایشان و بعضی دیگر از متمدنین شنیدم.

آقای عسکری نقل کرد حدود هفده سال پیش روز پنجشنبه ای بود، مشغول تعقیب نماز صبح بودم در نزد رفته بسروان دیدم سه نفر جوان که هر سه میکانیک بودند پیاده شدند سه نفری کاپوت ماشین را بالا زدند و بان مشغول شدند من از یک نفر آنها بنام علی آقا یک لیوان آب گرفتم برای فضا حاجت و تطهیر رفته بروم تسوی زمینهای مسجد

فعلی دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید، ابروهایش کشیده، دندانهایش سفید و خسانی بر صورت مبارکش بود، بالباس سفید، و عبا نازک و تعلین زرد و عمامه سبب مثل عمامه خراسانیها ایستاده و بانیزای که بقدر هشت نه متر بلند است زمین را خط کشی مینماید. گفتم اول صبح آمده است اینجا جلو

جاده دوست و دشمن می آیند رد میشوند نیزه دستش گرفته است.

آقای عسکری در حالیکه از این سخنان خود پشیمان بوده و عذر خواهی میکرد گفت: عمو زمان تانک و توپ واتم است نیزه را آوردای چکنی برو درست و باخون رفتی برای فضا حاجت نشستم صدا زد آقای عسکری آنجا نشین اینجا رامن خط کشیدام مسجد است.

من متوجه نشدم که از کجا مرا میشناسد مانند بچه ای که از بزرگتر اطاعت کند گفتم چشم، باشم فرمود برو پشت آن بلندی رفته آنجا پیش خود گفتم سرسوال با او را باز کنم بگویم آقا جان سید فرزند پیغمبر برو درست و باخون، سه سوال پیش خود طرح کردم:

۱- این مسجد را برای جن مسیاری پامللکه که دو فرسخ از قم آمده ای بسروان زیر آفتاب نقشه میکشی، درس نخوانده معمار شدی!

۲- هنوز مسجد نشده چرا در آن فضا حاجت نکنم.

در این مسجد که میساری جن نماز میخواند پامللکه؟ این پرسشها را پیش خود طرح کردم آمدم جلو سلام کردم. بار اول ایستاده به سلام کرد، نیزه را زمین فرو برد و سرافسندگی گرفت، دستهایش سفید و نرم بود چون این فکر را هم کرده بودم که با او مزاج کنم چنانکه در طهران هر وقت سیدی شلوغ میکرد میگفتم مسگر روز چهارشنبه است عرض کنم روز چهارشنبه نیست پنجشنبه است آمدای میان آفتاب.

بدون اینکه عرض کنم تبسم کرد فرمود پنجشنبه است چهارشنبه نیست و فرمود سه سوالی که داری بگو به بینم من متوجه نشدم که قبل از اینکه سوال کنم از مانی الضمیر من اطلاع داد گفتم سید فرزند پیغمبر درس را ول کرده ای اول صبح آمده ای کنار جاده نمیگویی این زمان تانک و توپ نیزه بفره نمیشورد و دوست و دشمن می آیند رد میشوند برو درست و باخون؟

خندید چشمش را انداخت بر زمین فرمود دارم نقشه مسجد میکشم گفتم برای جن پسا مللکه؟ فرمود برای آدمیزاد، اینجا آبادی میشود.

گفتم بر ما لید به بینم اینجا که میخواستن فضا حاجت کنم هنوز مسجد نشده است؟ فرمود یکی از فرزندان فاطمه زهراء علیها السلام

در اینجا بر زمین افتاده و شهید شده است من مربع مستطیل خط کشیدام اینجا میشود محراب، این جا که می بینی فلطرات خون است که مؤمنین می ایستند، اینجا و اینجا دشمنان خدا و رسول به خاک افتاده اند همینطور که ایستاده بود برگشت و مسرا هم برگرداند فرمود اینجا میشود حسینیه و لشک از چشمانش جاری شد من هم بی اختیار گریه کردم. فرمود پشت اینجا میشود کتابخانه تسو، کتابهایش را میدهی؟ گفتم پسر پیغمبر به سه شرط اول اینکه من زنده باشم فرمود انشاء الله شرط دوم اینستکه اینجا مسجد شود، فرمود پسر کالسله شرط سوم اینستکه بقدر استطاعت، ولو یک کتاب شده برای اجرا امر تو پسر

من آمدم رسیده سر جاده دیدم ماشین راه افتاده گفتم چطور شد گفتند یک چوب کبریت گذاشتیم زیر این سیم وقتی آمدی درست شده گفتند باکی زیر آفتاب حرف میزدی گفتم مگر سیدهای بزرگی را با نیزه ده متری که دستش بود ندیده ای من با او حرف میزدم گفتند کدام سید؟ خودم بر گفتم دیدم سید نیست زمین مثل کف دست پستی و بلندی نبود هیچ کس نبود.

من یک تکانی خوردم آمدم توی ماشین نشستیم دیگر با آنها حرف نزدیم، حرم مشرف شدیم نمی دانم چطوری نماز ظهر و عصر را خواندم بالاخره آمدیم جگرمان نهار خوردیم نماز خواندم گنج بودم رفقا با من حرف میزدند من نمی توانستم جوابشان را بدهم. در مسجد جگرمان یک پیر مرد یک طرف من نشسته و یک جوان طرف دیگر منم وسط ناله می کردم گریه می کردم نماز مسجد جگرمان را خواندم میخواستم بعد از نماز به سجده بروم صلوات را بخوانم دیدم آقایی سید که بوی عطر میداد فرمود آقای عسکری سلام علیکم نشست پهلوی من. تن صدایش همان تن صدای سید صبحی بود به من نصیحتی فرمود رفته به سجده ذکر صلوات را گفتم دلم پیش آن آقا بود سرم به سجده گفتم سر بسند گفتم بپرسم شما اهل کجا هستید مرا از کجا میشناسید وقتی سر بسند کردم دیدم آقا نیست.

به پیر مرد گفتم این آقا که با من حرف میزد کجا رفت او را ندیدی؟ گفتم نه از جوان پرسیدم او همگفت ندیدم یک دفعه مثل این که زمین لرزه شد تکنان خوردم، فهمیدم که حضرت مهدی (ع) بوده است حال بهم خورد رفقا مرا بردند آب به سرورویم ریختند گفتند چه شده؟ خلاصه نماز را خواندیم به سرعت بسوی طهران برگشتیم.

مرحوم حاج شیخ جواد خراسانی را لدی الورد در طهران ملاقات کردم و ماجرای او برای ایشان تعریف کردم و خصوصیات را از من پرسید گفتم خود حضرت بوداند حالا صبر کن اگر آنجا مسجد شد درست است. صدتی قبل روزی یکی از دوستان پدرش فوت کرده بود با اتفاق رفقا مسجدی اورا آوردیم قم به همان محل که رسیدیم دیدم دو پاره بالا رفته است خیلی بلند پرسیدم گفتند این مسجدی است بنام امام حسن مجتبی پسرهای حاج حسین آقا سوهانی میسازند و انشاء گفتم.

وارد قم شدیم جنازه را بردیم باغ بهشت دفن کردیم من ناراحت بودم سرانها نمی شناختم بر رفقا گفتم تا شما میروید نهار میخورید من الان میام، تا کسی سوار شدم رفته سوهان فروشی پسرهای حاج حسین آقا پیاده شدند پسر حاج حسین آقا گفتم اینجا شما مسجد میسازید؟ گفتم نه گفتم این مسجد را کسی میسازد؟

گفتم حاج پدالله رجیبان تا گفتم پدالله کلبم بسزدن افتاد گفتم آقا چه شد، صدتی گذاشت نشستم خیس عرق شدم با خود گفتم پدالله فوق ایدیم فهمیدم

حاج پدالله است ایشانرا هم تانک صوغ ندیده ونمی شناختم بر گفتم بطهران به مرحوم حاج شیخ جواد گفتم. فرمود برو سرافش درست است من معذرت آنکه چهار صد جلد را معلوم کردم رفته کارخانه از نگهبان پرسیدم گفت حاجی رفت منزل گفتند استندما میکنم تلفن کنید بگوئید بکنفر از طهران آمده با شما کار دارد تلفن کرد حاجی گوشش را برداشت من سلام عرض کردم گفت از طهران آمده ام چهار صد جلد کتاب وقف این مسجد کرده ام کجا بیایم. فرمود شما از کجا اینکار را کردید و چه آشنائی با ما دارید گفتم حاج آقا چهار صد جلد کتاب وقف کرده ام گفتم بگوئید مال چیست؟ گفتم پشت تلفن نصی شده، گفتم شب جمعه آمده منتظر هستم کتابها را بیاورید منزل چهارراه شاه کوچه سر گرده شکر الهی دست چه درووم. رفته مطهرن کتابها را بستند می کردم روز پنجشنبه با ماشین یکی از دوستان آوردم قم منزل حاج آقا ایشان گفت من اینطور قبول نمی کنم جریان را بگو بالاخره جریان را گفتم و کتابها را تقدیم کردم رفته در مسجد هم دور گفتم نماز حضرت خواندم و گریه کردم. مسجد و حسینیه را طریقی نقشه ای که حضرت کشیده بودند برداشتم.

پدالله بن نشان داده و گفت خدا خیرت بدهد تو بهمدت وفا کردی.

این بود حکایت مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام که تقریباً بطور اختصار و خلاصه گیری نقل شد علاوه بر این حکایت جالبی نیز آقای رجیبان نقل کردند که آنرا نیز مختصراً نقل مینمایم.

آقای رجیبان گفتند شبهای جمعه حساب معمول حساب و مزد کارگرهای مسجد را مرقب کرده و وجوهی که باید پرداخت شود پرداخت میشد شب جمعی استاد اکبر بنام مسجد برای حساب و گرفتن مزد کارگرها آمده بود گفت امروز بکنفر آقا (سید) تشریف آورده در ساختمان مسجد، و این پنجاه تومان را برای مسجد دادند.

من عرض کردم بانی مسجد از کسی پول نمی گیرد با تندی بمن فرمود می گویم بگیر این را میگردد من پنجاه تومان را گرفتم روی آن نوشته بود برای مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام. دو سه روز بعد صبح زود زنی مراجعه کرد، و وضع تنگمستی و حاجت خودش و دوظل پیمش را شرح داد من دست گسردم در جیبهایم پول موجود نداشتم غفلت کرده که از اهل منزل بگیرم آن پنجاه تومان مسجد را باو دادم، و گفتم بعد خودم خرج میکنم و بان زن آدرس دادم که بیاید تا باو کمک کنم. زن پول را گرفت و رفته و توگرم با اینکه باو آدرس داده بودم مراجعه نکرد ولی من متوجه شدم که نباید پول را داده باشم و پشیمان شدم. تا جمعه دیگر استاد اکبر برای حساب آمد گفت این هفتاد پاره در صفحه ۱۰



از رسول من سلام برسرا ن دورتر به دیگر هم مرابسته گرفت فرمود خدا خیرت بدهد.

انجا که علامه هم بیهوش می شود!

شیخ به قصد زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از حوضه خارج شد، مرکب سواری من الاغ بود و با تازیانه‌هایی که در دست داشت آن حیوانک را می‌راند.

من بعد از چند جمله دانستم که این مرد، فاضل دانا و عالمی کم نظیر است، جهت آزمایش، مسائل مشکل علمی را که در نظر داشتم در میان گذاردم و الحق از پاسخش معلوم شد که وی حلال مشکلات و مضلات می‌باشد!

دیگر بار آن چه که برای من لاینحل مانده بود سؤال کردم، و او با کمال شهامت و مستدل پاسخ داد.

ولی چون در مسائلی آن عرب بر خلاف نظریه من فتوا داد و من بدون دلیل نمی‌توانستم آن رای را بپذیرم گفتم نظر و رای بر شما خلاف اصل و قاعده است، لذا به ناچار باید تمسک به دلیلی نمایم که مقدم بر اصل و قاعده باشد.

عرب گفت: دلیل، حدیثی می‌باشد که شیخ طوسی در کتاب تهذیب ذکر کرده.

و من عرض نمودم: چنین حدیثی در تهذیب ندیدم و شیخ و غیر او هم در جایی نقل ننموده‌اند؟

عرب فرمود: هم اکنون به نسخه تهذیبی که نزد دوست رجوع کن در صفحه فلان، و فلان سطر حدیث را می‌یابی.

سلامتی حلی گفت: چون این حدیثها و خبرهای غیبی را از او شنیدم در حیرت فرو شده و با خود گفتم:

گویا این شخص که مدتی پیاده راه می‌رود و من در برابرش چهره او سورم و پیک و دو می‌کنم. همان کسی می‌باشد که به وجود وی چرخ هستی در گردش است!

اما در آن موقع که از شدت انقباض لوزه از دستم افتاده بود پرسیدم:

آیا در زمان غیبت گبری اسکان دارد کسی به محضر مولایش حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف گردد؟

عرب که در آن لحظه خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و به دستم داد، پاسخ مرا نیز چنین فرمود: چگونه ممکن نباشد، و حال آنکه هم اکنون دست او در دست تست!

چون دیگر جای گفتگوی نبود، لذا خود را روی قدم مبارک آن حضرت افکندم و از شدت شوق بیهوش شدم و آنگاه که به هوش آمدم کسی را ندیدم و چون به تهذیب رجوع نمودم حدیث را همان گونه که حضرت فرموده بود در آن کتاب یافتیم (۲).

بسم... الرحمن الرحیم و به نستین وا کثروا الدعاء بتمجیل الفرج، فان فی ذالک فرجکم. و برای نزدیکی ظهور، بسیار دعا کنید، که گشایش گرفتاریهای شما در ایستگار است.

خداوند، انسانها را خلق کرد تا پرستش کنند و بر اثر پرستش به مراتب بالاتری از حیات و تکامل دست یابند.

خداوند، به انسانها جان بخشید، و انانرا به عرصه حیات آورد، تا با پیروی کردن از سنن جاری الهی، که بر آفرینش ساری و جاری است، و همراه با دیگر موجودات در مسیر اله و بسوی الله گام بردارد تا عاقبت به لقاءالله نائل گردیده، زندگی و حیات جاوید یابد.

و در این مسیر، پیامبران و جتهایی را فرستاد تا مردم غفلت زده را از خواب غفلت بیدار نمایند، که از قافله دور نمانند تا مردم بیدار را تزکیه و پاک سازند و شیطان را از درونشان برانند. تا راسخه دل انگیز علوم و عرفان الهی را، بر آنان بوزانند تا در پرتو این نسیم حیات بخش بسوی پروردگانشان گام بردارند و به رضوان الله نایل گردند. و این جتهای الهی، کسانی بودند که پیشاپیش در این مسیر گام زده و به خلیفه الهی رسیده بودند.

آنان با عبادت پروردگار، به مقام و موقعیتی رسیده بودند که مثل اعلای الهی گردیده بودند.

خداوند در این باره می‌فرماید: عسجدی! اطنسی، اجملک مثلثی. اناحی لاموت، اجملک حیالاتموت اناغنی لاقتصر، اجملک غنیا لا تفتقر. انا سهمنا انا بکون اجملک سهمنا بکون (ای بنده من مرا اطاعت کن تا ترا مثل من و الگویی از خودم بگردانم)

من زندای هستم که هرگز نمی‌میرم، ترا زندای میگردانم بدون مرگ. من بی‌نیازی هستم که هرگز ظمیر و محتاج نمی‌شوم. ترا بی‌نیازی قرار می‌دهم که محتاج دیگری نباشی من هر گاه اراده کنم خلق می‌کنم. ترا قدرتی میبخشیم که هر گاه اراده کنی بوجود آید.)

جتهای الهی، چنین افرادی هستند، آنها با روشن بینی، فکر و عجز و ذلت ذاتی خود را در ساقه و منبع فیوضات و رحمت و نعمات را نیز یافتند پس، رو بگردان الهی آورد، با اطاعت و عبادت خود به مقامی بزرگ خلیفه الهی رسیدند.

آنها به مقامی رسیدند که واسطه فیض گشتند. تمام فیوضات و نعمات الهی، از طریق آنان است که به مخلوقات میرسد. خداوند بخاطر آنان آفرینش را خلق کرده و بخاطر آنان است که بدبگران نیز می‌بخشد.

و بالاخره آفرینش با بودن آنان پای برجاست و بدون آنها، پدیدمها از هستی نمی‌گشته و آفرینش نابود میگردد. پس ما باید بسیار از الهی سلام... علیه باشیم که به طفیلی آنان، ما از نصرت بی‌پایان الهی بهره‌مند میگردیم. جتهای الهی، در زندگی

تأثیر دعاء در تعجیل فرج

بشتر، نقش‌های حس و انسان‌سازی مهده دارند. آنها بیان کننده احکام و قررات الهی هستند. کتاب الهی ما قرآن شامل آیات محکم و مستطاب نامخ و منسوخ، عام و خاص و... می‌باشد. آیات مشابه آیهاتی هستند، که هر گروه از انسانها میباشند.

خداوند مردم را دعوت به خداگونه شدن و سپهر الهی... می‌نماید. خداوند که مردم را از منهای نهی و به کارهای نیک دعوت می‌نماید. خداوند که ما را به عبادت و اطاعت و واقع‌بینانه دعوت میکند، برای اینکه بشر بهانه نیاورد که اینکارها خارج از طاق و قدرت بشری است، خداوند این اسوهای بشری را برانگیخته است.

تا نمونه عینی، فرمودهای پروردگار و قرآن ناطق و قرآنی با لباس بشری باشند. الهی سلام... علیه، در دوران خود با مردمی مواجه بودند که بر اثر بی‌فرهنگی و تحت تأثیر تبلیغات مسموم طاغوتی زمانه نه تنها به این بحرهای بی‌کرانه علوم و مکارم مراجعه نکردند، بلکه فرزند برومیشان حضرت مهدی سلام... علیه رسید. و چون ایشان آخرین جتهای بودند، به امر خداوند غیبت اختر نمودند و از هدگان کوردلان و دنیا پرستان پنهان گشتند. البته آنحضرت در همین جهان زندگی می‌کند دعا در لغت بمعنی خواستن و درخواست کردن است. دعا کردن برای ظهور، اگر از اعماق جان و از سوز دل باشد. آنها را در برابر طاغوتها و مستکبران زمانه تنها گذاشته، تا اینکه همگی با شربت شهادت نوشیدند و با ضرب تیغ شمشیر به شهادت رسیدند. این بی‌اعتنایی تا زمان شهادت حضرت امام حسن عسکری سلام... علیه ادامه داشت. بعد از ایشان امامت و ولایت بعهده

نشانه این است که ما از خواب دوازده قرنه غفلت بیدار شدیم و توبه کنان، دست انابت بسوی پروردگار مهربان گشودیم این خواست قلبی را نباید دست کم گرفت. قدرت اراده و خواست انسانها را نباید دست کم گرفت. خواست قلبی انسانها، معجزهها کرده و دروازه‌های بزرگی را گشوده است. چه بسیار قله‌ها که با هیچ کلیدی گشوده نشده است ولی آخر سر، این کلید پر قدرت همای بوده است، که بطریقی اسرارآمیز، قلههای مشکلات را گشوده است.

پیروزی ایران اسلامی، در برابر کفر صدامی نمونه بارز و آشکار دعا و خواست بشری

عصر بود. در مساعلات کامیوتری ابر جنایتکاران تنها یک پلاراض فراموش شده بود. قدرت ایمان جوانانی که وارثان گردانند، و خواستند که وارثان زمین گردند و احکام الهی را در جسامه سپاده سازند. آنها خواستند، و مصراغه از خداوند خواستند و خداوند نیز خواست آنان را اجابت نموده، در نبردی

شگفتانگیز آنان را بر دشمنان خود پیروز نمود. بدین ترتیب با دعا و درخواست مردم، ناممکن، ممکن گردید.

بدین گونه پیوند خوردن اراده انسان عابد با اراده پولادین و خلل ناپذیر محمود، ناشننی‌ها، شدنی گردید و خون بر شمشیر پیروز شد. اکنون مردم مسلمان کشور ما مانند ماوند با تجربه‌های تازه در پهنشت تاریخ انسانی، و چشمهای نگران و مشتاق تمامی مستظفان زمین به آنان دوخته شده است.

و اکنون بر ماست که با دعای خود، با خواست پولادین و شکستناپذیر خود، بسترگاه خداوند صاحب نعمات روی آوریم و مصراغه و مستصانه از درگاه احدیت بخواهیم که تلخی قرنهای هجران را به شیرینی وصال تبدیل سازد. و ما را شایستگی خدمتگزاری و سرپازی در رکاب حضرت بقیه... الاظم (ع) عطا بفرماید.

باید که وضوی عشق وصال بگیریم و در محراب صیدت، ناله کشتان روی بسترگاه قادر بخشنده کنیم و بخواهیم که انقلاب اسلامی ما را به قیام جهانی آنحضرت مستضی گردانیده، به امام امت عصری طولانی عطا بفرماید تا این کشور را به صاحب حقیقی‌اش، حضرت ولی عصر تحویل دهد.

مطلب را با حدیثی از امام صادق (ع)، در مورد اثر و نتیجه دعا به پایان می‌بریم: بدین امید که این حدیث، بیشتر راهگشای ما در تعجیل امر ظهور آنحضرت باشد. عن ابی عبدالله (ع)... فلما طال علی بنی اسرائیل العذاب فحزوا و مکوالی الله اربین صاها فاوحی الله الی موسی و طهین بخلصهم فرعون فحط عنهم سعین و ما س... هکذا انتم لو فعلتم لفرح الله عما قاما اذلم تکوینا الا امر بنهی الی منتهاه (بخارا الا نوار - ج ۲۲ - ص ۲۴۳)

حضرت امام صادق (ع) فرمودند چون عذاب فرعون بر قوم بنی اسرائیل سرازار کشید، چهل صبحگاه رو به درگاه الهی آوردند گریه و زاری نمودند.

خداوند هم به موسی و هارون وحی فرستاد که بنی اسرائیل را رتو فرعون نجات بخشید. و صد و هشتاد سال از گرفتاری آنها کاست. سپس امام ششم فرمودند: همین شما هم اگر مثل بنی اسرائیل عمل کنید (به گریه و زاری بپردازید و مصلحان برای اصلاح امر ظهور دعا کنید) خداوند امر فرج ما را اصلاح خواهد کرد اما اگر چنین نکنید، این سختی (سختی غیبت امام و ظلم و مصلات زمان غیبت) تا پایان مدتش طول خواهد کشید.



قال الصادق علیه السلام: ان قائمنا اذا قام، مد الله لسبعين عاماً عمراً و ابصارهم حتى لا يكون منهم وبين العالم عليه السلام يريد نكلمهم، فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه. بخارا الا نوار جلد ۵۲ ص ۳۳۶

حضرت صادق (ع) فرمود: وقتی که حضرت مهدی (ع) قیام و ظهور میکند خداوند چهل و دو سال از عمر شما را می‌افزاید و بین شما و بین عالم علیه السلام می‌گوید تا شما را ببیند و شما را بشنود و شما را ببیند و شما را بشنود و شما را ببیند و شما را بشنود.

بقیه از صفحه ۴
 دینهم الهی از نفسی لهم
 ولیدلنهم من بعد خوفهم انما
 یعدوننی لا یشرکون بی شیئا
 و من کفر بعد ذلک فاولئک
 هم الفاسقون ۲۵
 بقیة الله خیر لکم ان کنتم
 مومنین
 هو الادی ارسل رسوله بالهدی و
 دین الحق لیظهره علی الدین
 کله ولو کره المشرکون
 وجعل کلمة الذین کفروا
 السفلی و کلمة الله هی العلیا
 والله عزیز حکیم
 ونرید ان ننص علی الذین
 استضعفوا فی الارض ونجعلهم
 الامة و نجعلهم الوارثین
 قل جاء الحق و زهق الباطل ان
 الباطل کان زهوقا
 احادیث بسیاری از پیامبر و
 ائمه معصومین صلوات الله علیهم
 اجمین موبد همین نظر وجود
 دارد. آیه الله صافی گلپایگانی
 برخی از این احادیث را در کتاب
 و مستحب الاثر فی الامام الثانی
 عشر علیه السلام در فصل هفتم
 باب دوم تحت عنوان فی اجتماع
 جمیع الملل علی الاسلام و ان
 بعد ظهوره لا یجد غیر الله. و انه
 یذهب بدولة الباطل جمع آوری

انقلاب مهدی

● اصلی ترین هدفی را که انقلاب
 مهدی (عج) دنبال می کند، استقرار
 کلمه توحید و عدالت و براندازی
 شرک و ستم است.

دست آورد آنت. توزیع به عدالت
 و به اسلام انجام خواهد شد
 و دیگر از طبقات فرو دست و بالا
 دست خیری نخواهد بود.
 علاوه بر همه آن السطاف
 خداوندی رادر کمک به برپایی

العقول فی عصره احادیث
 بسیاری که این برداشت از آنها
 بدست میآید وجود دارد.

● سیاست
 جریان کلی قدرت سیاسی و
 حکومت جهان همیشه در انحصار
 طواغیت فاسدین، فجار و حکام
 جور بوده است. و همواره تاریخ
 متغیین، صالحین و مستضعفین از
 گذارهای رهبری و امامت کل
 جهان بدور بودماند در این
 انقلاب شگوهند متغیین، صلحاء
 و مستضعفین امکان و صلاحیت
 رهبری جهان را پیدا میکنند و
 برای اولین بار بصورت یک
 جریان عمومی (نه مقطعی)
 رهبری جهان با آنان و در رأس
 همشان حضرت مهدی ارواحنا
 فداه خواهد بود. و بجای یک
 سیاست پرنرینگ و دغفلکار، یک
 سیاست دینی نشأت گرفته
 از مکتب اسلام بر جهان حاکم
 خواهد شد، سیاستی که
 شایستگی واقعی را به اداره امور
 و رهبری مردم وادارد تا آنکه
 بتوانند مقصود حرکت بسوی
 خدا را تأمین کنند:

ان الارض له بسور لها من
 پشاه من عباده و السعالبه
 لستغنی و لستغنی
 الزبور من بعد الذکر ان الارض
 یرثها عبادی الصالحون و نرید
 ان ننص علی الذین استضعفوا
 فی الارض و نجعلهم الامة و
 نجعلهم الوارثین.

● اول از هر پیامبری صفت و نشانی
 دارد، با ابراهیم در ولادت مخفی، با
 موسی در خوف و در غیبت با عیسی در
 اتمام، با ایوب در فرج و با محمد با
 خروج با شمشیر و..... شبیه است.

● او از هر پیامبری صفت و نشانی
 دارد، با ابراهیم در ولادت مخفی، با
 موسی در خوف و در غیبت با عیسی در
 اتمام، با ایوب در فرج و با محمد با
 خروج با شمشیر و..... شبیه است.

● او از هر پیامبری صفت و نشانی
 دارد، با ابراهیم در ولادت مخفی، با
 موسی در خوف و در غیبت با عیسی در
 اتمام، با ایوب در فرج و با محمد با
 خروج با شمشیر و..... شبیه است.

عن الفضل بن یحیی بن یسیر علیه السلام، قال: قلت لهذا الامر وقت؟ فقال عليه السلام
 كذب التوقيتون، كذب التوقيتون، كذب التوقيتون. انوارنامه جلد ۲، ص ۲۵
 زینیر زبیر روایت کرده که حضرت امام بر علیه السلام فرمودم در مورد وقت ظهور حضرت مدّرج، حضرت با
 فرمود: دروغگویند کسانی که برانطور حضرت مدّرج و مقرر را تعیین میکنند.

یک اقتصاد سالم در حکومت ولی
 الله الاعظم نباید از یاد برد:
 ان السله پیامر بالعدل
 والاحسان

حاکم بر جهان و پیرانی کاخهای
 ستم آنان از یک سو و سوسلی
 دیگر توحید، عدالت، آبادانی
 و عمران برای ملل است.

قدرت طلبیها، زور گوییها،
 ماجر اجویی و شهوات یک اسیر
 و حاکم را تأمین میکرد است و
 رهاورد چنین جنگی و برانی برای
 ناس و عالم و غرور و شهوت برای
 ارتش داران بوده است و همواره
 تاریخ ارتشها سرگشته و گردن
 مظلومان، بسود طالعان تسبیخ
 زدماند، و ارتشهای کوچک
 هابیلی را درهم شکستماند.
 برای اولین بار بر خلاف همه
 ارتشهای بی بصیرت و خونخوار
 جهان، هدف و روابط و عناصر
 تشکیل دهنده آن در طی مراحل

● امام (عج) در توقیعی که به
 آخرین نایب خاص خود جناب علی بن
 محمد سیمری می دهند، کیفیت
 رهبری جامعه، و نوع رابطه خود با
 شیعیان را بیان می فرمایند و از آن
 پس زعامت و هدایت امت را به فقاهت
 بیدار، خویشتر دار، خداترس و
 نگهبان دین و عبد صالح خدا
 می سپارد.

قال امیر المؤمنین علیه السلام: اسطرُّ و الفرج و لا یسُ اسوا
 من رُوح النذ فان احب الأعمال الی الله عزوجل
 اسطرُّ الفرج، فمخب الاثر صفحہ ۴۹۸.
 حضرت علی علیه السلام فرمود: پیوسته استظار و اسیر و شمشیر بشید
 و از فرج و رحمت حق مایسر نشوید زیرا که مبرترین عمر در شمشیر خدا در فرج است.

● اقتصاد
 بلحاظ تکامل عقول و نابودی
 جهان خواران، جهان خوار نتایج
 کوشش جمعی بشر در طول تاریخ
 که علوم و فنون پیش رفته است
 از خدمت بحدایگان ستمگر
 بخدمت به خلق تغییر جهت
 میدهد. و علم و قدرت حاصل از آن
 از مخوف خانها، زرادخانههای
 سلطه گر و خزانه پول پرستان
 بی خدا بیرون آمده و رفاه
 و آسایش را بایمان مردم خواهد
 برد. و علاوه بر این تغییر
 در شیوههای تولید و دردم بر حتن
 این نوع مناسبها که وفور نعمت

● اقتصاد
 بلحاظ تکامل عقول و نابودی
 جهان خواران، جهان خوار نتایج
 کوشش جمعی بشر در طول تاریخ
 که علوم و فنون پیش رفته است
 از خدمت بحدایگان ستمگر
 بخدمت به خلق تغییر جهت
 میدهد. و علم و قدرت حاصل از آن
 از مخوف خانها، زرادخانههای
 سلطه گر و خزانه پول پرستان
 بی خدا بیرون آمده و رفاه
 و آسایش را بایمان مردم خواهد
 برد. و علاوه بر این تغییر
 در شیوههای تولید و دردم بر حتن
 این نوع مناسبها که وفور نعمت

● اقتصاد
 بلحاظ تکامل عقول و نابودی
 جهان خواران، جهان خوار نتایج
 کوشش جمعی بشر در طول تاریخ
 که علوم و فنون پیش رفته است
 از خدمت بحدایگان ستمگر
 بخدمت به خلق تغییر جهت
 میدهد. و علم و قدرت حاصل از آن
 از مخوف خانها، زرادخانههای
 سلطه گر و خزانه پول پرستان
 بی خدا بیرون آمده و رفاه
 و آسایش را بایمان مردم خواهد
 برد. و علاوه بر این تغییر
 در شیوههای تولید و دردم بر حتن
 این نوع مناسبها که وفور نعمت

● اقتصاد
 بلحاظ تکامل عقول و نابودی
 جهان خواران، جهان خوار نتایج
 کوشش جمعی بشر در طول تاریخ
 که علوم و فنون پیش رفته است
 از خدمت بحدایگان ستمگر
 بخدمت به خلق تغییر جهت
 میدهد. و علم و قدرت حاصل از آن
 از مخوف خانها، زرادخانههای
 سلطه گر و خزانه پول پرستان
 بی خدا بیرون آمده و رفاه
 و آسایش را بایمان مردم خواهد
 برد. و علاوه بر این تغییر
 در شیوههای تولید و دردم بر حتن
 این نوع مناسبها که وفور نعمت

● اقتصاد
 بلحاظ تکامل عقول و نابودی
 جهان خواران، جهان خوار نتایج
 کوشش جمعی بشر در طول تاریخ
 که علوم و فنون پیش رفته است
 از خدمت بحدایگان ستمگر
 بخدمت به خلق تغییر جهت
 میدهد. و علم و قدرت حاصل از آن
 از مخوف خانها، زرادخانههای
 سلطه گر و خزانه پول پرستان
 بی خدا بیرون آمده و رفاه
 و آسایش را بایمان مردم خواهد
 برد. و علاوه بر این تغییر
 در شیوههای تولید و دردم بر حتن
 این نوع مناسبها که وفور نعمت

۴- رابطه رهبر با تکوین این انقلاب رابطه عیبی و تکوینی با شخص معین دارد: نسل، خصوصیات، شمال، اهداف، پاران و... او کاملاً

انقلاب مهدی

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقْضِي السَّاعَةَ حَتَّى تَمِيكَتِ الْأَرْضُ جُلُومًا مِنْ أَهْلِ عَمِّي مِثْلًا الْأَرْضِ عَدَلًا كَمَا مَلَيْتُ جُورًا مِثْلَكَ سَبْعَ سِنِينَ.

حضرت رسول اکرم ص، فرمود: ساعت (دنیا) با خنجر سرد مگر آنکه کی از اهل بیت من مالکت زمین شود و زمین پر از عدل میکند همان نحوه ای که پر از جور شده، او در مدت هفت سال مالکت روی زمین خواهد شد.

و سوسه گران نباشد خواهد شد و تحریکات نفلیل خواهد یافت. اتحاد این بیروها حول اسلام صورت خواهد گرفت. به این معنی که دیگر از اسلامهای گوناگون. اسلامهای ۷۲ فرقه قدیم، اسلامهای بی محتوا و پرمدعی جدید، اسلامهای اسلامشاسان عریس یا مسلطان و اسلامشاسان غیربرده مسلطان، اسلام یکسویگرهای تنگ نظر و... حصری نخواهد بود. همه جهان بر محور اسلام محمدی که امام زمان ارواحنا فداء امورگار و مسلم است، متحد خواهد شد. و با افرشته شدن پرچم امام مهدی علیه السلام، همه متفقدین و مؤمنین منتظر از این سو و آن سوی عالم همچون چشمهای زیر خاک، خواهد جوشید. و سیلی خروشان براه خواهد انداخت. همه انسانها را به رنگی توحید و مستحذانه دعوت می کند و جهانیان به اسلام مکتب این انقلاب لبیک خواهد گفت:

۱۱- غشیب، امدادگر
۱۲- انقلاب پیروز
قیام و انقلابهای جهان کم نبوده است، قیامهای موحیدین و انقلابهای راستین توحیدی هم بسیار بوده است، همه موحیدین می خواستند شعاع حکومت الهی تا همه جای گیتی پیش رود. طالبین و سنگرها حوار و صلحا مسقط سر امرو شوند، و قانون الهی رایج همه جا باشد، اما موفق به تحقق چنین آرمان مقدسی شدند. این انقلاب با همه ویژگیهای ایده آلی که بر سرزمین محقق خواهد شد. ویژگیهایی که برای کسانیکه با مکتب، با پیغمبر و با پیروان مکتب اسلام و با امام ما و با انقلاب ما آشنائی کافی ندارند، بدرستی جوهره آن قابل درک نیست. آنها بجز بشارتهای قرآنی را ابده البسم (به معنای حیا، کرامه و پندار گریزانه آن) می دانند. اما ما که اسلام را، خدا را، و قرآن را سوره داریم، تحقق چنین انقلاب شکوهمندی را سر نوشت محض تاریخ می دانیم. و متفقدیم این انقلاب با همه ابعاد و اهدافش پیروزمندان انجام خواهد شد.

۱- انتم پروتیه عیدها و نوبه فریبها - فل حاه الحق و زحق الباطل ان الباطل کان زهولاً - اذا قام القائم ذهب دولة الباطل - انه لا ترد له راية

امکان عقلانی وقوع
گنیم که اعتقاد به آیندهای خوش همیشه وجود داشته است و این اعتقادی است عمومی و مربوط به همه ادیان و همه فرق اسلام. و بسیاری از دانشمندان غیر مذهبی و حتی مادی در باره تاریخ نظری خوشبینانه دارند. فووربسم در جامعهشناسی همین مسئله را بررسی می کند. اما امکان عقلانی وقوع چنین نغمه در صفحه ۱۰

۱- ظهور در امتلاء زمین از ظالم
در مآل مالی جهان از ظلم است که این انقلاب با جوهره توحید و عدالت خواهد جوشید. در آن زمان که همه

و چون کوه استاده اند. ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا و هرگز تردید به دل راه نمیدهند انصاف المومنون السیدین اصحاب الله و رسوله ثم لم یزلوا و این از ویژگیهای انقلاب توحیدی است که در کنار موسی، هارون را داریم، در پیرامون عیسی حواریان را و در بصیرت رسول الله، افسراد ساخته شده دوران پیمانی و نجاتی را و انقلاب مهدی را ۳۱۲ بار متفی، موس مسطر و جان باخته

۵- انقلاب خونین
اگر چه این انقلاب منزلت و مراحل متفاوتی را طی خواهد کرد اما

۶- طی مراحل متفاوت
این انقلاب برای تحقق خود مانند هر انقلاب الهی دیگر نیازمند به طی مراحل از قبیل تحول در انقلابیون، بالا بردن آگاهیها، پیشنها و دانشهای آنان، تبلیغ دین و تغییر در اعتقادات و ایجاد مناسباتی سالم میان جمع معتقد، سنبزهای سیاسی اقتصادی و نظامی با کفر و شرک خواهد بود. و حتی این انقلاب در نقطه اوج مبارزات و زمینسازیهایی متفقدین و صلحاست و پس از انقلابهای متفاوتی که از جانب موحیدین انجام میگردد به پیروزی خواهد رسید. جهاد، هجرت و ابلاغ مسلمین... آگاهی بخشودن، ساختن جمعیتهای مؤمن متفی و مبارز و در گیر، بواقع خواستار و صاحب یک دعای واقعی برای ظهور و همچنین در گیر نمودن مؤمنین با شرک و کفر مسلط جهانی و نظامهای باطل حاکم، انقلاب امام مهدی را تسریع خواهد کرد. و القابیه للمؤمنین پر ثنها عبادی الصالحون

۷- جریان اصلی مقاومت
بیشترین فشار و بار این حرکت بر مجموعه مقاوم و هسته های مؤمن است آنانکه ایمان آورده اند

۹- اعتقاد به آیندهای خوش همیشه وجود داشته است و این اعتقادی است عمومی و مربوط به همه ادیان و همه فرق اسلام
امروز دیگر ارتش فقط برای میهن نمی جنگد، ارتش آرمانی بزرگ دارد و خود را ارتش امام زمان (س) و اسلام و نیروی امام خمینی می داند و می خواهد که همچون امام حسین (ع) بجنگد
این انقلاب در تقدیر الهی در رابطه با بزرگ مردی به پیروزی رسید که عمری برای اسلام، با ایمان به اسلام به تکامل معنوی خویش مشغول بوده است.

۱۰- متحد کننده نیروهای شیطانی، تفرقه را دوست دارد و

عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَلَمْ يَكُنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» قَالَ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَيْسَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا نُورٌ فِيهَا شَاهِدٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» بخارا انوار جلد ۵۱ - صفحه ۲۱۰
از فاطمه بنت موسی روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: «وَلَمْ يَكُنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» قَالَتْ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَيْسَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا نُورٌ فِيهَا شَاهِدٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

توسعه علم در زمان امام مهدی (عج)

آنچه را امروز بشر بصورت آرزو و اندیشه می‌پروراند، و در خاطر بگونه پگ روپا برای خویش میگذراند. در عصر مهدی تحفقی می‌پذیرد، اگر بخواهیم در ارتباط با این سخن مثالی ذکر کنیم آنکه امروز دانشمندان و محققان بسیاری آرزوی روزگاری دارند که بطور کلی در جامعه بشر مشکل بیسودی حل گردد، و آدمی از دانش به فرهنگ والا و هدف نهایی نائل شود. ولی در عین حال تحفقی این مطلب را بعید میدانند.

اما در عصر مهدی (عج) این امر مهم، بخواهی برآورده میگردد و علم و معرفت بر سر جهانیان سایه گستر میشود و نیز بشر حقایق را کشف میکند که امروز بهر وجه تصور آنها هم نمیکند.

و باید دانست که بهره‌گیری از علم و معرفت، در آن زمان، تنها خاص مردان نیست که افق اندیشه زنان نیز گسترش می‌یابد، چرا که اسلام همواره برای دانش‌اندوزی و فراگیری صراف سرد و زن را مسلوی دانسته، و طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة یعنی که فراگیری دانش امری است

واجب بر تمامی مردان و زنان و با این مفهوم کلی از کلام پیامبر به یقین نمیتوان نقش آفرینی زن را در آن دوره انکار کرد، و در این زمینه بیسودی پنجم، امام باقر علیه‌السلام میفرماید: در عصر فرخنده امام زمان (عج) چنان همگی از نعمت علم و حکمت بهره‌مند خواهند شد که زن در خانه خویش طبق کتاب خدا و سنت پیامبر فضیلت خواهد نمود. و این گفترها بشارتی است بر این حقیقت که در آن عصر، پرتو علم و مطارف انبیا آندیشه مردان زنان است. یکی دیگر از آرزوهای بشر مسئله طول عمر است. خوب طبیعی است، انسانها از سر آمدن عمر و سپهرمان، و بسیار دوست

داشته‌اند روزی این مشکل بزرگ برایشان گشوده شود، چه بسیار مستفکران و دانشمندان و پژوهشگرانی که در این راه تلاش فراوان کرده‌اند، تا شاید عمر طبیعی آدمی را به دوه سال بالاتر برسانند، ولی باز هم درمانند مادر هنگام ظهور حضرت مهدی به این موفقیت خواهند رسید، چنانکه از بعضی احادیث استفاده میشود که مسکال، معادل ده سال خواهد بود یعنی عمر طبیعی آدمی به ده برابر صعود میکند.

و گسترش علم بگونه‌ای است که بر امراض غیر قابل علاج هم فائق میگردد، چنانکه در این مورد حدیثی رسیده که خداوند به پیامبرش در شب معراج فرمود: من بوسیله او - که مراد مهدی است شکیب و ناپسار را بهبودی میدهم و سریش را شفا خواهم داد، باز از جمله آرزوهایی که انسان در مغزش می‌پروراند، موضوع روابط بشری است که آیا میتوان راهی پیدا کرد که افراد بتوانند بنحو سادامی در نقاط مختلف با یکدیگر ارتباط پیدا کنند.

بطوریکه در تفاسیر مذکور است عده اهل ایمان - پیروان طاعت - سیدوسیزده نفر بوده‌اند که هر مسکال هشتصد هزار نفر اهل کفر - لشکرهای جلوت - قرار داشتند و خداوند، این عده قلیل را بر آن سپاه عظیم پیروزی و ظفر بخشید و نیز اصحاب بدر هم بنا به احوال متفاوت - سیدوسیزده نفر بوده‌اند.

و همچنین! و در آخر الزمان هم هر گاه سیدوسیزده سره مومن و متقی الکلمه، پیدا شوند مهدی آل محمد صلوات الله علیه ظهور می‌نماید. پس این باور که غلبه مهدی از این جهاتی که برشمرده - بر کفار بسیار است، باید خواستار باران خاصی باشیم.

رسول الله (ص) فرمودند - خداوند متعال زمین را از زمان آدم تا نبودی گیتی را تحت خالی نمیکند خداوند در بود: وان الارض لله، پیورنیا من یشاء من عباده، والعالیه للمتقین

سوره اعراف آیه ۱۲۸ همچنین رسول الله فرمودند: مهدی قائم وارث زمیں و آچه در آن است میباشد.

زمین از تحت خالی نمیشود. این حجت با اینکه ظاهر و مشهور است و با اینکه درخفا و مستور و این برای اینست که حجج و بیانات خدا باطل نگردد... و از امیرالمؤمنین علی (ع) و امام باقر (ع) روایت شده که رسول الله فرمودند:

روز قیامت فرا نرسد مگر اینکه با اذن خداوند متعال از ما شخصی قیام کند و به حق دعوت نماید. هر کس که از او تبعیت و پیروی کند نجات می‌یابد و هر کس از تبعیت او تخلف کند هلاک میشود.

ای بندگان خدا بسوی او بشتابید و بسوی او ایستادگی کنید. زیرا او خلیفه خداوند عزوجل و خلیفه من است. رسول الله فرمودند:

روز قیامت فرا نرسد مگر اینکه با اذن خداوند متعال از ما شخصی قیام کند و به حق دعوت نماید. هر کس که از او تبعیت و پیروی کند نجات می‌یابد و هر کس از تبعیت او تخلف کند هلاک میشود.

ای بندگان خدا بسوی او بشتابید و بسوی او ایستادگی کنید. زیرا او خلیفه خداوند عزوجل و خلیفه من است. رسول الله فرمودند:

روز قیامت فرا نرسد مگر اینکه با اذن خداوند متعال از ما شخصی قیام کند و به حق دعوت نماید. هر کس که از او تبعیت و پیروی کند نجات می‌یابد و هر کس از تبعیت او تخلف کند هلاک میشود.

ای بندگان خدا بسوی او بشتابید و بسوی او ایستادگی کنید. زیرا او خلیفه خداوند عزوجل و خلیفه من است. رسول الله فرمودند:

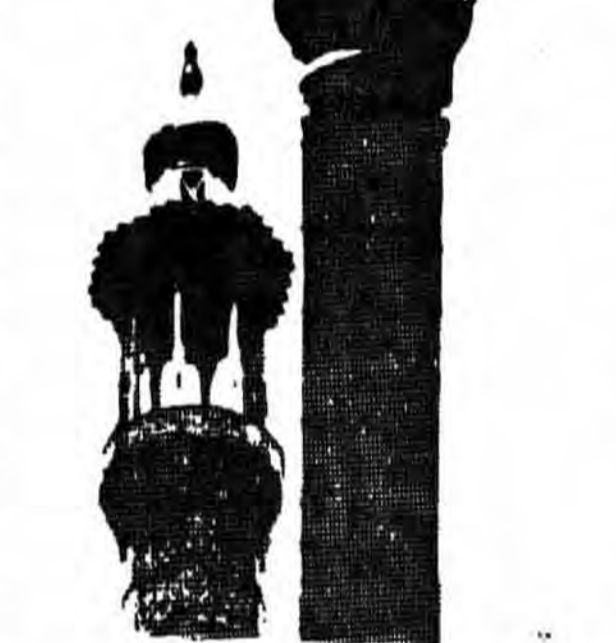
روز قیامت فرا نرسد مگر اینکه با اذن خداوند متعال از ما شخصی قیام کند و به حق دعوت نماید. هر کس که از او تبعیت و پیروی کند نجات می‌یابد و هر کس از تبعیت او تخلف کند هلاک میشود.

ای بندگان خدا بسوی او بشتابید و بسوی او ایستادگی کنید. زیرا او خلیفه خداوند عزوجل و خلیفه من است. رسول الله فرمودند:

القائم المنتظر کیست؟

نه بزرگ به کوچک رحم کند و نه کوچک به بزرگ احترام بگذارد، خداوند از نسل این دو، شخصی را میفرستد تا دزهای ضلالت و گمراهی را فتح کند و دلشهای بسته را باز کند و آخر الزمان قیام می‌کند همانطور که من در آغاز دنیا قیام کردم..... (در این جمله منظور

نه بزرگ به کوچک رحم کند و نه کوچک به بزرگ احترام بگذارد، خداوند از نسل این دو، شخصی را میفرستد تا دزهای ضلالت و گمراهی را فتح کند و دلشهای بسته را باز کند و آخر الزمان قیام می‌کند همانطور که من در آغاز دنیا قیام کردم..... (در این جمله منظور



از آغاز دنیا امتداد رسالت پیامبر اکرم تا آغاز دنیا است) و دزهای ضلالت و گمراهی همه جا فرار دارد..... پیامبر فرمودند:

از فرزندان من ۱۲ امام، نجیب و متخیر و راضعا می‌آید، که آخرشان برای حق قیام میکند. پیامبر فرمودند:

او از اهل بیت است که خداوند آنها را از آلودگی دور نگهداشته و آنها را تطهیر و پاک آفریده است و او قائم آل محمد خوانده میشود.

بعد از من ۱۲ امام می‌آید، ۹ امام از نسل حسین میباشد و نهمی قائم است. او از اهل بیت و عترت من است و از گوشت و خون من است.

رسول الله فرمودند: ما هفت تن از فرزندان مهدی‌المطلب سرورن اهل بیت

میشود و سقوط میکند سعادت آخرت از آن کسانی است که آنها را دوست بدانند و عذاب برای کسانی است که با آنها دشمنی ورزند. پیامبر سپس برای جلب توجه به آسمه سعد از او، و مسئولیتی که ناشی از دشمنی و قطع رابطه با آنان میشود فرمودند:

دوازده تن از اهل بیت من می‌آیند که خداوند به آنها فهم و علم و دوراندیشی مرا داده است و آنها را از طیبیت من آفریده است. عذاب برای کسانی که بعد از من بر آنان بگر کنند و خداوند که رابطه مرا قطع کند، خداوند شفاعت مرا نصیب آنان نکند.

اینها خلق و اوصیاء و فرزندان و عترت من هستند. هر که از آنها اطاعت کند انگار مرا اطاعت کرده است و هر که از آنها اطاعت نکند انگار مرا اطاعت نکرده است. و هر که آنها را رد کند انگار مرا رد کرده است.

خداوند بوسیله آنها آسمان را از سقوط بر زمین حفظ میکند و بوسیله آنها زمین را از فرو ریختن بر ساکنین آن حفظ میکند.

علامت ظهور حضرت صاحب الزمان (ع) - روایت است که پیامبر اکرم (ص) در زمان بیماری به دخترش فاطمه زهرا فرمودند: وقتی هرج و مرج دنیا را فرا بگیرد و مشکلات و فتنها بوجود می‌آید و راههای هدایت قطع میشود و بزرگ کوچک را رحم نکند و خداوند متعال شخصی را از ما میفرستد تا دزها را فتح کند و دل‌های بسته را باز کند و در آخر الزمان ظهور میکند و برای دین (اسلام) دعوت میکند، همانگونه که من در زمان او قیام کردم اول پس از اینکه ظلم و ستم دنیا را فراگرفت قسط و عدل را در زمین گسترش میدهد و در زمین حاکم میسازد.

از پیامبر اکرم روایت شده که فرمود: از ما مهدی این است ظاهر میشود و از مهدی (ع) دزهای ضلالت و گمراهی ها درهم می‌کوبد و صاحبان قلبهای بسته را از بین میرد. پیروز فتنهها و اختلافات خارجی

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند - وای بر امت محمد (ص) از لرتش شرق و غرب وای بر خصمی امت محمد از دست آنان، وای بر آنان از عذاب خدا.

از آغاز دنیا امتداد رسالت پیامبر اکرم تا آغاز دنیا است) و دزهای ضلالت و گمراهی همه جا فرار دارد..... پیامبر فرمودند:

از فرزندان من ۱۲ امام، نجیب و متخیر و راضعا می‌آید، که آخرشان برای حق قیام میکند. پیامبر فرمودند:

او از اهل بیت است که خداوند آنها را از آلودگی دور نگهداشته و آنها را تطهیر و پاک آفریده است و او قائم آل محمد خوانده میشود.

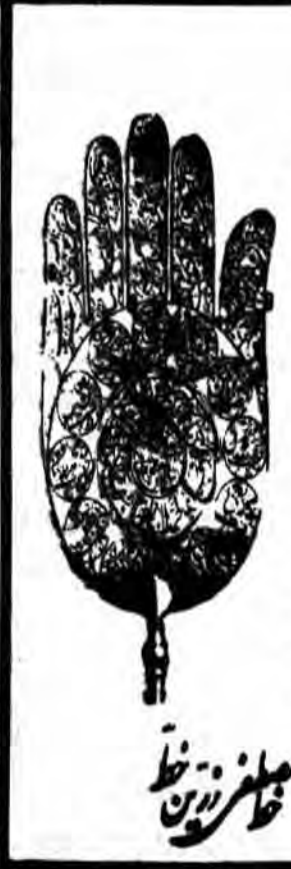
بعد از من ۱۲ امام می‌آید، ۹ امام از نسل حسین میباشد و نهمی قائم است. او از اهل بیت و عترت من است و از گوشت و خون من است.

رسول الله فرمودند: ما هفت تن از فرزندان مهدی‌المطلب سرورن اهل بیت

قال امیر المؤمنین علیه السلام: لو خلت الارض ساعة واحدة من حجة الله لساخت باهلها ولكن الحجة تعرف الناس ولا تعرفونهم كما كان يوسف يعرف الناس ويهم له منكرون. مهدی برود من ۳۲۸

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر یک لحظه زمین نجات خدا نماند ساکنان خود را فراموش و بخت خدا در روی زمین بست، او همه را می‌شناسد ولی کسی او را نمی‌شناسد، چنانکه یوسف مردم را شناخت ولی کسی او را نشناخت.

علا فرزند خط



فرازی از کتاب شهید مرتضی مطهری:

قیام و انقلاب مهدی (علیه السلام)

اکنون مجال بحث تفصیلی با ارائه مدارک از قرآن و سنت نیست، فقط برای این که ماهیت و انتظار بزرگ روشن شود به طور اجمال درباره مشخصات این نوید بزرگ به بررسی می پردازیم:

مشخصات انتظار بزرگ

۱- خوشبینی به آینده بشریت در باره آینده بشریت نظرها مختلف است، بعضی معتقدند که شر و فساد و بدبختی، لازمه لاینفک حیات بشری است و بنابراین زندگی بی ارزش است و عقلا نهمین کارها خاتمه دادن به حیات و زندگی است. بعضی دیگر اساساً حیات بشر را ابر می دانند، معتقدند که بشر در اثر بیشرافت حیرت آور تکنیک و ذخیره کردن انبساط های وحشتناک و مسائل تخریبی، رسیده به مرحله ای که به اصطلاح باگوری که با دست خود گنده یک گام بیشتر فاصله ندارد.

راسل در «اصفهای نوه» میگوید: «... اشخاصی هستند و از آن جمله اینشتاین- که به زعم آن ها بسیار محتمل است ۱- رجوع شود به کتاب جدال باهدمی- اسماعیل خونی. که انسان دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین معدودی موفق شود با مهارت شگرف علمی خود، خویشتر را نابود سازد.»

بنابراین نظریه، بشر در نیمه راه عمر خود بلکه در آغاز رسیدن به بلوغ فرهنگی به احتمال زیاد نابود خواهد شد. البته اگر تنها به قرآن و شواهد ظاهری قناعت کنیم. این احتمال را نمیتوان نفی کرد.

نظریه سوم اینست که شرفساد لازم لاینفک طبیعت بشر نیست، شر و فساد و تباهی معلول مالکیت فردی است، تا این ام الفساد هست، شرفساد هم هست. مالکیت فردی معلول درجه ای از تکامل ابزار تولید

است و با خواسته انسانها این ام الفساد از بین نمی رود، ولی تکامل ابزار تولید و جبرماشین روزی ریشه این ام الفساد را جبراً خواهد کند. پس آنچه مایه و پایه خوشبینی است تکامل ماشین است.

نظریه چهارم اینست که ریشه فسادها و تباهی ها نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی میکند و خشم و شهوت بر او مغلط او حاکم است. انسان با لفظه در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود. نه شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن فاسد است خود کشی دسته جمعی را پیش خواهد آورد.

آینده های بس روشن و سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است.

این نظریه الهامی است که دین میکند. نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه این الهام است.

۲- پیروزی نهائی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجل (دجالگری و فریب)

۳- حکومت جهانی واحد.

۴- عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آسود نشده باقی نماند.

۵- بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و استدلال و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرائز حیوانی.

۶- حداکثر بهره گیری از مواهب زمین.

۷- برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت.

۸- منتهی شدن کامل مفاسد اخلاقی از قبیل زناه، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدمکشی و غیره و خالی شدن روانها از عقده ها و گنجه ها.

۹- منتهی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.

۱۰- سازگاری انسان و طبیعت.

هر کدام از اینها نیاز به تجزیه و تحلیل و استدلال دارد، اسیدوارم که در آینده نزدیکی این مهم را انجام دهیم، در این جا منظور ما صرفاً شناساندن ماهیت این نوید و آرمان اسلامی است.

دو نوع انتظار

آنچه باید امید و آرزو داشت و آن چیزی که تقدیر الهی، نظام جهان را پوینده به سوی آن قرار

داده آن بود که اشاره کردیم. اکنون باید برگردیم به اول سخن و آن این که انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تمهیدآور است، عبادت، بلکه با فضیلتترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج کننده است، و نوعی «باجگیری» محسوب میشود. و گفتم که این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم تاریخی مهدی موعود (ع) است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات تاریخی ناشی میشود اکنون به تشریح این دو نوع انتظار می پردازیم و از انتظار ویرانگر آغاز می کنیم.

انتظار ویرانگر

برداشت قری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود اینست که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضا و اختناقها و حق کشیها و تباهیها ناشی می شود، نوعی سامان یافتن است که معلول برایشان شدن است.

آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، بیکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیروی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان باقی نماند.

این انفجار رخ می دهد و دست عیب برای نجات حقیقت- نه اصل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد- از استیسن بیرون می آید علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی شود، برعکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تباهی و هر حقیقتی، هر پندیده ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند روست زیرا (الغایات غیر المصادی) هدفها و سببهای نامشروع را مشروع می کنند. پس

بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، تسریع و اشاعه فساد است.

این جا است که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهائی. این جا است که این شر مصداق واقعی خود را می یابد:

در دل دوست به هر حبله رهی باید کرد طاعت از دست نباید گشپی باید کرد

این گروه طبعاً به مصالحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند، زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود محفل الله تعالی قرحه می شمارند. برعکس، اگر خودهم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت سه گناهکاران و مسلمانان فساد می نگرند زیرا ایشان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند.



انقلاب مهدی

● انقلاب مهدی (عج) انقلابی خونین است، انقلاب اسلامی ایران نیز این ویژگی را داشت.

بهبان: صفحه ۷

انقلابی، محصور با ویژگیهای اسلامی آن، ستمی است که از ذهنها میگذرد. همچنین چگونگی وقوع این مسئله برای همه مطرح است که مثلا چگونه در دل ظلم و جور یک حکومت عدل جهانی تشکیل میشود؟! یا...!

دانشمندان اسلامی به این پرسش، پاسخهای مستندی دادند که مشتمل بر غیر عقلی بودن انکار کیمیا و رمبهای واقع و نقش مثبت الهی و تأییدات غیبی است. اما ما در اینجا به دو موضوع توجه می کنیم: هماهنگی انتظار با فطرت - تجربه انقلاب اسلامی ایران.

۱ - هماهنگی انتظار با فطرت

انسان با امید به آینده زنده است. و انتظاری وضع موجود و پدیداری تغییر وضع موجود جریان زندگی را پاره می‌دارد. و آتشی زندگی را شعله‌ور می‌سازد. کالی است پس کسب که وضع شما بدتر از موجود میشود، هر چه بیشتر زنده باشید به وضعیت بدتر نزدیکتر میشوید. حال چه در آخرت و چه در دنیا، چه بلعاطف مصوی، چه بلعاطف مادی، پس دیگر زنده ماندن چه سود؟! اگر جامه هم چنین دور زمانی برای تاریخ آینده خود بسپارید لفظا جریان حیات اجتماعی متوقف خواهد شد. امید به آینده است که همه کارگاهها، مدارس، آزمایشگاهها و... را پرتحرک ساخته است، و مبارزین ما در زیر شکوه و در حالیکه در بند هستند به حیران پرتحرکتری در حیات و انتهای پرشمارتری به زندگی کشیده میشوند.

هر کس در درون خود می‌تواند بروشی وحدان کند که عاقبت خوشی در درون زمره می‌شود. عاقبت خوشی برای جامعه و عدالت اجتماعی. فرد و سعادت فردی. ندای فطرت فریاد خواهد کرد که عاقبت این

ظالمین به زبالدان تاریخ خواهند رفت و پایان این شب ظلمانی، صبحی است. آری ندای والیج الصبح بفریاد، به قرآن، به دل می‌نشیند.

متفکر مجاهد، مطهری شهید، این مسئله را با توجه به تئوریهائی که درباره طول عمر زمین پیدایش حیات و حیات اجتماعی و تاریخ حیات علمی بشر ارائه شده است و تبدیل آنها به مقیاس ملموس بوجی نظریه بدینی به آینده و ناهمگونی آنها

نمی‌تواند فریاد انفعال و سلاحهای تخریبی را که در اختیار دارد مهار کند و عاقبت همه را نابود خواهد کرد، این درست به این معنی است که انسان در همین ۶۰ ثانیه آخر که تازه به علم رسیده است به نابودی هم میرسد!! به زبان واضح‌تر بگمالت است که ماههای هندی تکامل می‌باید تا در ۶۰ ثانیه آخر که انسان عاقل و عالم شده است. بسمی ما در طبیعت ۲۱/۵۳۶۰۰۰ ثانیه از این

● جنگ پر از تأییدات غیبی است و همه مراحل سیاسی انقلاب با تأیید خداوند بسود اسلام حل شده والا خدا می‌داند که چه می‌شد و چه بر سر ما می‌آمد. ● امروز مردم ما بیش از همیشه به نقش غیب در شهود معتقد است. ● امروز ارتش رزمنده ما نماز شکر و دعای فتح می‌طلبد.

با فطرت بروشنی بر همه عیان فرموده است. و تئوریهها، عمر زمین را چهل میلیارد سال تخمین زداند. و متصفند که یک میلیون سال از عمر انسان می‌گذرد. اگر عمر زمین را به یکسال کوچک کنیم، مراحل متفاوت تئوری تکامل با اعداد ذیل بیان میشود: ماه نهم از این عمر یکساله زمین، است که تازه ویروس پیدا میشود. هفته دوم از ماه آخر پستانداران بوجود می‌آیند. ربع آخر از ساعت آخر در روز آخر از این یکسال، انسان وحشی با به عرصه وجود میگردد، و در آخرین ۶۰ ثانیه این عمر است که انسان به عقل، علم و دانش پیشرفته دست می‌یابد. اگر ما بپذیریم که انسان

بهبان: صفحه ۷

گرما مشغول کار بودم دونه نفر کارگر هم داشتم ناگاه دیدم یک آقایی از یکی از درهای مسجد وارد شد با لبخند نورانی جذاب با صلابت آثار بزرگی و بزرگواری از او نمسایان است وارد شدند. دست و دل من دیگر دنبال کار نصرافتم، همی میخواهم آقا را تماشا کنم. آقا آمدند اطراف شبستان قدم زدند تشریف آوردند جلو تختهای که من بالای پیش‌کار میکردم دست کردند زیر عبا پولی در آوردند فرمودند: استاد این را بگیر بده به بانی مسجد. من عرض کردم آقا بانی مسجد پول از کس میگیرد شاید این پول را از شما بگیرم و او نگیرد و ناراحت شود. اما تقریبا تغییر کرد فرمودند: بتو میگویم بگیر ایمن فوراً با دستهای تمیز آلوده پول را از آقا گرفتم آقا تشریف بردند بیرون. من گفتم این آقا کجا بود در این هوای گرم یکی از کارگزارها

من از شما تقاضای دارم اگر قول میدهند که قبول کنید تقاضا کنم گفتم بگوئید گفت در صورتی که قول بدهید قبول میکنند میگویم. گفتم آقایی استاد اگر بتوانم از عهدش برآیم گفت میتوانی، گفتم بگو. گفت تا نگویی نمیگویم. از من اصرار که بگو از او اصرار که قول بده تا من بگویم. آخر گفتم بگو میگویم، وقتی قول گرفت گفت آن پناه تو منم که آقا دادند برای مسجد بده به خودم گفتم آقایی استاد اگر داغ مرا تازه کردی چون بعد از دادن پناه تو منم به آن زن پشیمان شده بودم، و تا دو سال بعد هم هر استکس پناه تو منم بدستم میرسد نگاه میکردم شاید آن استکس باشد. گفتم آن شب مختصر گفتم حال خوب. حرف کس بدانم گفت پلی حدود سه و نیم بخواب ظهر هوا خیلی گرم بود در آن بحران

۲- انقلاب اسلامی ایران شما وقتی قرآن می‌خوانید می‌بینید در مورد یکی از عمده‌ترین مسائل غیبی یعنی معاد، دونوع آموزش دارد. یکی وقتی است که استدلال می‌کند که همانگونه که اول بار خلق کرد: قل بجهنم الذی انشأها اول مره و هم بسکال خلق علیهم بیکبار هم وقتی است که می‌فرماید به گیاهان مرده بی حرکت و بی‌بسیار بنگرید که چگونه دوباره زنده‌شان می‌کند: ووالله الذی ارسل الی الیاح فتنیر سعابا لفسقناه الی بسله‌میت فاصحنا به الی ارض النشوره. در اوج این نوع آموزش است که داستان حضرت ابراهیم را داریم. خداوند پرندگان مرده و پسرانکده را دوباره حیات می‌بخشد. آنوقت حضرت ابراهیم که حیات دوباره پرندگان را دیده است، اطمینان قلب پیدا می‌کند که حیات دوباره انسان و معاد او نیز امری محتوم است. بنظر من علاوه بر آن استدلال نوع اول که برامکان وقوع این حادثه می‌توان ارائه کرد، تجربه انقلاب اسلامی ایران خود به عنوان پدیدهای عینی، گواهی اطمینان آور است. که انقلاب

● ساخت اعتقادی و سیستم ارزشی حاکم بر افکار مادیت، شرک و لذت طلبی و تفسیرهای نادرست از هستی، انسان، حرکت، معاد و زندگی انسان همه یکجا در هم خواهد ریخت و جزاز توحید هیچ چیز دیگری شنیده نخواهد شد.

موجود، بطور حتم انجام خواهد شد. زیرا همانگونه پس از انقلاب اسلامی ایران، برای دست یافتن به واقع‌های نظیر ایمان، شهادت، ایثار و... نیازی به مراجعه به لغت نامه‌ها نیست، برای استدلال بر امکان وقوع نیز نیازی به استدلال و فلسفه چینی

یک حکایت صدق

بنام مهدی علی صدا زدم گفتم برو دنبال این آقا بسین کجا میروند با کی و با چه وسیله‌ای آمده بودند مهدی علی رفت چهار دقیقه شد، پنج دقیقه شد ده دقیقه شد مهدی علی نیامد خیلی حواسم پرت شده بود مهدی علی را صدا زدم پشت دیوار سون مسجد بود گفتم چرا نمی‌آیی؟ گفت استادام آقا را تماشا میکنم گفتم بیا وقتی آمد گفتم آقا سرشان را زیر انداختند و رفتند گفتم با چه وسیله‌ای؟ ماشین بود؟ گفت نه آقا هیچ وسیله‌ای نداشتند سرسریز انداختند و تشریف بردند گفتم تو چرا ایستاده بودی گفتم ایستاده بودم آقا را تماشا میکردم.

آقای رجیبان گفت این جریان این پناه تو منم بود ولی باور کنید که این پناه تو منم یک اثری روی کار مسجد گذارد خود من امید اینکه این مسجد به این گونه بنا شود، خودم به تهائی به اینجا برسانم نداشتن از مولفی که این پناه تو منم بدستم رسید روی کار مسجد، و روی کار خود من اثر گذاشت (پایان حکایت). نگارنده گوید: اگرچه متن این حکایتها بر معرفی آنحضرت غیر از اطمینان صاحب حکایت باینکه سید معظمی که نقشه مسجد را می‌کشید، و در مسجد چکران با او سخن فرمود شخص آن حضرت بوده است دلالت ظاهر دیگر ندارد، اما چنانکه مسدحت نوری در سبب نهم کتاب شریف نجف‌الناقب شرح داده است و توسع اینگونه

چندانی نیست. انقلاب خود باور آور است هر که گفت چه جور؟ خودش جواب می‌دهد. مثل انقلاب اسلامی ایران آری این انقلاب محتوم است. هر چند که علی الظاهر علامتی هم در کار نباشد، همچنانکه ایران شاهی، آستن یک انقلاب عظیم بود و بسیاری (جز از آگاهان امده‌وار) نمی‌دانستند. ما وقتی به تجربه انقلاب اسلامی، با دیدی علمی می‌نگریم، تصویرهایی از همان حکومت مسعود را در آن می‌بینیم. تصویرهایی که بخوبی معلوم است، هنوز جای اصل آن خالی است. و در حقیقت انقلاب اسلامی ایران مرتبه نازل‌تری از همان دولت کریمه است. اما مرحله نازل آن نیز، قبل از وقوع به اندازه کافی وسیع انداز ما به آدماهای معمولی خود گرفته با وضع موجود یا با سوادهای بی‌بصیرت حکم به محال کند، محال و غیرممکن بنظر می‌رسد، اینک ما، برداشتهای باور آوری از آن ویژگی‌های ۱۲ گانه را که برای آن انقلاب بزرگ شماره کرده‌یم یادآوری می‌کنیم، تا اطمینان قلبی باشد بر تحقق آن انقلاب الهی در جهان:

۱- جهت الهی برخی کج‌اندیش و بسین تبلیغ می‌کنند که هر حرکتی ریشه در مافع شخصی طبقاتی و... دارد و حرکت خالص برای خدا را محال می‌دانند. از همان روز نخست برخی روشنفکران بی‌دین و بی‌دین چنین تحلیل می‌کردند که

۲- انقلاب تمام عیار شما انقلاب در عقاید و آداب رادست کم در خورد و لسوانیکه در هر مرحله‌ای بشاید تجربه کرداید. پیرامون ما، پراست واپسین تجارب، بسگونهای که جمعیتی به واقع و باتمام وجود رفتن شاه و حکومت اسلامی راخواستند و برای تحقش دعا و جهاد کردند شما خود شاهد تکامل عقول (بسطورنسی) در همین انقلاب هستید. بجهای دبستانی و راهبیمائی ما دارای تحلیل، آرمان و عمل هستند

نیر از جریان امور کم و بیش مطلع بوده‌اند و اسام (ع) و نواب او را می‌شناختند و بعد هم از خلهام دیگر که در عصر غیبت گری بودند و ناصر خلیفه که از اعظام و علما خلفه بنی‌عباس است عارف به آنحضرت بوده است و دردی که هم‌اکنون بر صفا سرداب است و از آثار باستانی و نقاشی اشاء عتیقه است در عصر او و بسیار او ساخته شده است. باین جهات که خانه و سرداب از بیوت مقدسه است و بدون شک و شبهه محل عبادت و سفر و منزلگاه سه نفر از ائمه بزرگ اهل بیت (ع) است از آغاز مورد نظر شیعیان و دوستان و حتی خلیفهای مثل ناصر بوده و عبادت و اطاعت خدا را در آن اساکن شریفه مستقیم می‌شمرند، و از مصادیق مسلم (می بیوت اذن‌الله ان ترفع و یذکر فیها اسمع سبح له فیها بالفدو والا سال) میدانستند،

مکاشفات و دیدارها برای شیعیان آن حضرت حداقل از شواهد صحت مذهب، و عیایات بواسطه پیابلاواسطه آنحضرت به شیعه است، و بالخصوص که مؤید است به حکایات دیگر که متن آنها دلالت بر معرفی آن حضرت دارد. بعضی از آن حکایتها در همین عصر خود ما واقع شده است، و به یاری خداوند متعال در کتاب جدیدی که مخصوص نشر فهای معاصرین است در اختیار شیعیان و ارادتمندان آن غوث زمان و قطب جهان ارواحنا فداء قرار خواهد گرفت انشاءالله تعالی- و ما توفیقی الا بالله آنحضرت بوده است، و بعضی خلفا هم میدانستند. ولذا در روایت رشیق خادم است که متضد نشانی‌های خانه و خادمی را که بر در ایستاده است بر شریق داد. چنانکه از بعضی حکایات و تواریخ استفاده میشود معتقد خلیفه و راضی بلکه احتمالاً مقتدر

رایت حق

مهدی چو به عدل دست گیرد
بناز از ستم شکست گیرد
چون رایت حق بلند گردد
باطل همه راه پست گیرد
علم و تقوی چون کمال یابد
جهل و عدوان شکست گیرد
این هست و شان شوند فسانی
این نیست نما چو هست گیرد
فیصل یابد همه مهمات
دستش چو گشاد پست گیرد
از پستی در آورد عدو را
چون تیغ علی به دست گیرد
مستقیم همه ز جام غفلت
کو محنتی که مست گیرد
در پشاش فتادام بکه زاری
ایضا بود آن که دست گیرد
در بحر فتادام چو ماهی
باشد که مرا به نیت گیرد
از فیض امام فیض شایند
جایی ز می السست گیرد
گفتم کیم بطلت تو شادمان کنند؟
گفت آن زمان که وقت شود فکر آن کنند
گفتم که چیست سر نهان بودن شما؟
گفت این حکایتی است که بانگندان کنند
گفتم که جان دهند و رضای شما خردند
گفتا در این معامله کمتر زبان کنند
گفتم ز گفتگوی شما شاد می شوم
گفتا خوش آن گمان که دلی شادمان کنند
گفتم میخ بپهر چه آید ز آسمان؟
گفتا که افتدا به امام زمان کنند
گفتم چو از جهان بروم چه سود از آن؟
گفتا که رجعتی است که پیر و جوان کنند
مگو مگو به جهان آشنا کرداری
بین بین به جهان جز تو آشنایی هست؟
مرا بغیر هوای تو و رضای تو نیست
هوای دیگر اگر هست و صدقانی هست
هوای بر نرسانم، به صدعا نرسم
چه مدعا، چه هوا، جز تو روی و رانی هست؟
ز خاک در که تو گسر روم به جای دیگر
کجا روم بجز این آستانه جایی هست؟
مقابل گل رویست نشینم و نام
چو عندلیب که در گلشنش نوالی هست
وصال دوست چو خواهی بساز باغم دوست
چو گنج باشد ناچار ازدهائی هست
اگر جهان همه بیگانه شد ز وفیض چه باک؟
چو التفات نهان تو آشنائی هست
گفتم: که روی خوبت، از من چرا نهان است؟
گفتا: تو خود جیبی، ورنه رخ میان است!
گفتم: که از که پرسم، جانان نشان گویت؟
گفتا: نشان چه پرسی، آن گوی بی نشان است!
گفتم: مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی
گفتا: که دره ما، غم نیز شادمان است!
گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم
گفت آنکه سوخت اورا، کی ناله پافغان است!
گفتم: فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی!
گفتم: نفس همین است؟ گفتا سخن همان است!
گفتم: که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما!
گفتم: غم بیفزا، گفتا که رایگان است!

گفتم: ز فیض بهذیر، این نیم جان که دارد
گفتا: نگاه دارش، غمخانه تو جان است!
خوشا آن سر که سودای تو دارد
خوشا آن دل که غوغای تو دارد
ملک غیرت برده، افلاک حرت
جنونی را که شیدای تو دارد
دل در سر تسمنای وصالست
سرم در دل تسماشای تو دارد
فرود آید بجز وصل تو هیات
سر شوریده سودای تو دارد
دل کی باز ماند، چون به پرواز
هوای قاف عشق تو دارد
چو مرغی می طیم بر حاصل هجر
که جهانم عشق دریای تو دارد
گفتم که دوستان تو رجعت چرا کنند؟
گفتا که تا سموات مستمان کنند
گفتم همیشه فیض دعای تو میکنند
گفت این دعا ملائک هفت آسمان کنند
دوش از جناب مهدی بیک بشارت آمد
کز حضرت الهی عشرت اشارت آمد
یعنی حضور باشد جسم زمانه را گام
ویرانه جهان را وقت عمارت آمد
این شرح بی نهایت کز وصف ما شنیدی
حرفی است از هزاران کاندز عبارت آمد
امروز جای هر کس پیدا شود ز خوبان
گان میاه مجلس افروز اندر صدارت آمد
السودگان عصیان در آب تسویه غسلی
مصوم منتظر را وقت زیارت آمد
از یمن مقدم او رونق گرفت طاعت
اجناسی معصیت را هنگام غارت آمد
رسید مزده که ایام غم نخواهد ماند
چنین نماد و چنین نیز هم نخواهد ماند
بپام مهدی هادی رسید خوش باشد
که نقش حور و نشان ستم نخواهد ماند
شب فراق بسازید با ستمکاران
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
به قسط و عدل جهان را چو ما بیاریم
ز جور بر ورق آن رقم نخواهد ماند
سروش هاتف غیبیم بشارتی خوش داد
که کس همیشه گرفتار غم نخواهد ماند
غنیمتی شماری فیض انتظار فرج
به نامه تو از این به رقم نخواهد ماند
چه انتظار و چه غم بین ز هاتف غیبیم
رسید مزده که ایام غم نخواهد ماند
مزده ابدل که مسیحا نفسی می آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من
ز دام فالی و فریادرسی می آید
کس ندانست که منزلت معشوق کجاست
اینقدر هست که بانگ جرسی می آید
از ظهور بر کانتش نه ستم خرم و بس
عیسی اینجا به امید نفسی می آید
همه ایمان جهان چشم برایش دارند
هر عزیزی ز پیستی می آید

دوش گفتم بکند وعده و نسا، قیالم حق
هاتف غیب ندا داد که آری بکند
عصر خالی شده از عدل بود کز طرفی
مهدی از غیب بیرون آید و کاری بکند
ره ندارم بر او تا بدهم شرح غمش
مگرش باد صبا گوش و گذاری بکند
وصل او یا خبر سرگ اعدای با عدل
یک دعائی ز کسی زمین دو سه کاری بکند
تو در این غمگدای فیض بسمان روزی چند
که گذر بر سرت از گوشه کناری بکند

